



۷

## رادیو تلاوت شبکه‌ای جوان است

روزنامه جام جم در یک روز بهاری  
میزبان «خوشنام» ها شد

نخواستیم بخندانیم



بینید و بشنوید

شبکه یک	
۱۱:۱۵	سیمای خانواده
۱۷	شهر رمضان
۱۸:۴۰	دعوت
۲۰	درس‌هایی از قرآن
۲۲	مجموعه طنز «خوشنام»؛ در خلاصه این سریال آمده است: از مکافات عمل غافل مشو، گندم از گندم بروید چو جوجو؛ حمید لولایی، هومن حاجی‌عبداللهی، عباس جمشیدی‌فر، شهره لریستانی، فریده سیاه‌منصور، سحر ولدبیگی، امیر کرلایی‌زاده، امیر غفارمنش و نیلوفر رایجی‌فراز جمله بازیگران خوشنام هستند.

شبکه دو	
۱۰:۳۰	تزیین خوانی
۱۳	شعر ماه
۱۳:۳۰	ایوان بهشت
۱۵	رستاخیز تنگ‌ها
۱۵:۴۰	ویژه‌نامه نیروی انتظامی
۲۱:۱۵	سریال «از سرنوشت ۴»
شبکه سه	
۱۱:۳۰	طیلب
۱۸:۴۵	مثل ماه
۲۰:۱۵	سریال «نچلا» ۲
۲۱:۱۰	هشتک عصر جدید

شبکه پنج	
۱۱:۲۰	پروانه
۱۳:۳۰	تتما مسیر؛ در این برنامه حجت‌الاسلام پناهیان با حضور در حرم امامزاده صالح(ع) فرحزاد تهران به تبیین و بررسی موضوع چگونگی تقرب به خدا و امام عصر(عج)، برای حاضران و مخاطبان برنامه می‌پردازد.
۱۸:۲۰	در شهر
۲۰:۵۵	نستوه
۲۱:۳۰	جشن رمضان
۲۳	سریال «مسافران شهر»

شبکه افق	
۱۸	چشمه
۱۹	فرامتن
۲۰	خادمان فیروزه‌ای
۲۰:۳۰	ملازمان حرم
۲۲	عطف
۲۳:۳۰	سریال جلال ۱؛ این مجموعه درامی اجتماعی از رخداد‌های اجتماعی و روزهای انقلاب اسلامی در سال‌های منتهی به ۲۹ بهمن ۵۶ آذربایجان شرقی است که همبر ریاضی، عمار تفتی، هادی افتخارزاده، مهران رحیمی، رضا اپیک و هنرمندان تلویزیون و بومی آذربایجان شرقی در آن به ایفای نقش پرداخته‌اند.

شبکه قرآن	
۱۳:۳۵	هشتک دین
۱۶	منم بچه مسلمان
۲۰:۳۰	یاد خدا
۲۲	رو به راه
شبکه مستند	
۱۱:۰۵	کارگاه مرمت
۱۵	نواوران
۱۷	همسفر
۱۹	مارستان

شبکه‌های رادیویی	
۱۴	رادیو ورزش / خط اول
۱۴	رادیو نمایش / یکی بود یکی نبود
۱۵	رادیو قرآن / درسنامه نهج البلاغه
۱۶:۳۰	رادیو سلامت / کودک من
۱۸:۵۵	رادیو فرهنگ / گفتار ش

## خرابکاری‌های یک پسر بچه

# رسانه

چهارشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۱ :: شماره ۶۱۹۱



## گفت وگو با مصطفی ساسانی، بازیگر نقش عطا در سریال «نچلا» یک خاطره خیلی خوب دارم اما نمی‌گویم!



ماجرایهای عید و عطا در فصل دوم نچلا همچنان ادامه دارد / عکس: سیمیه میری

### دمیدن نفس تازه در ادعیه رمضان



استاد هادی آرم آن‌قدر چهره مشهوری است که وقتی نام او شنیده می‌شود همه یاد ادعیه‌های ماه رمضان می‌افتند. او آهنگساز نواهای مذهبی است و همکاری‌های فراوانی با جامعه قرآنی ما داشته است. به همین دلیل هم صحبتی با این استاد نرفته‌ها شیرین و گواراست، بلکه مخاطبان تلویزیون علاقه‌مند به شنیدن گفته‌ها و خاطرات او هستند. ظهر روز گذشته حسین قرایی، مدیرکل روابط عمومی صداوسیما راهی منزل استاد آرم شد تا با او هم‌گپ‌وگفت صمیمانه داشته باشد و هم این‌که دیداری تازه کنند و ما هم در این دیدار حضور داشتیم.

مدیرکل روابط عمومی صداوسیما در بخشی از این دیدار به استاد توضیح داد که صداوسیما در سال‌های اخیر نخبه‌پروری کرده و به دنبال نخبه‌هاست و دکتر جبلی، رئیس رسانه ملی هم به این موضوع توجه ویژه‌ای دارد. وی در ادامه تأکید کرد که استاد آرم جزو نخبگان است و گنجی است بی‌پایان. قرایی به استاد آرم پیشنهاد داد خاطرات بسیاری را مکتوب کند تا مورد بهره‌برداری نسل آینده قرار بگیرد.

استاد آرم هم با اشاره به تازه‌ترین فعالیت‌های خود در عرصه تولید آثار موسیقایی مرتبط با ماه رمضان و تولید نم‌آهنگ همخوانی رنبا برای پخش در شبکه‌های تلویزیونی عنوان کرد که داستان تولید قطعه همخوانی رنبا به سال ۱۳۷۳ بازمی‌گردد که این کار را برای پخش افطار ویژه برنامه افطار شبکه اول سیما انجام داده بود. این قطعه در آن زمان با همراهی قاریان قرآن گروه همخوانی «اهل بیت» انجام شد. استاد آرم در انتهای این دیدار پیشنهاد داد که بهتر است از قبل افطار ادعیه‌های متنوع پخش شود

و این طور نباشد که همه شبکه‌ها همزمان یک رنبا و یک اذان را پخش کنند تا باعث شود مردم جذب ادعیه و رنبا‌های قبل از افطار شوند و دل‌هایشان معنوی‌تر شود. نباید رنبا‌ی پخش شود که در دهه ۷۰ پخش می‌شد، بلکه باید برای سال ۱۴۰۱ باشد. در انتهای این دیدار حسین قرایی لوحی را به استاد تقدیم کرد.

### راه‌اندازی پویش «به عشق علی(ع) برای ایتم»

وقتی صحبت از پویش می‌شود اولین نکته‌ای که ما را جذب می‌کند ایجاد همبستگی میان مردم است. به همین دلیل مردم از برگزاری پویش‌ها استقبال می‌کنند و برایشان جالب است که در پویش‌های متفاوت شرکت کنند. بنابراین شبکه‌های رادیویی هم سعی می‌کنند متناسب با مناسبت‌های مختلف پویش‌هایی را برگزار کنند. در تازه‌ترین اقدام معاونت صدا در تلاش است پویش «به عشق علی(ع) برای ایتم» را راه‌اندازی کند. نکته قابل‌تأمل این است که تقاهم‌نامه پویش به عشق علی(ع) برای ایتم بین معاونت صدا، کمیته امداد امام خمینی(ره)، جمعیت امام‌زایی‌ها و موسسه «دوباره زندگی» به امضا رسیده است.

از آنجا که پخش سریال همچنان تا پایان ماه رمضان ادامه دارد، برای عطا موقعیت‌های پرچالش و پرهیجانی پیش می‌آید؟

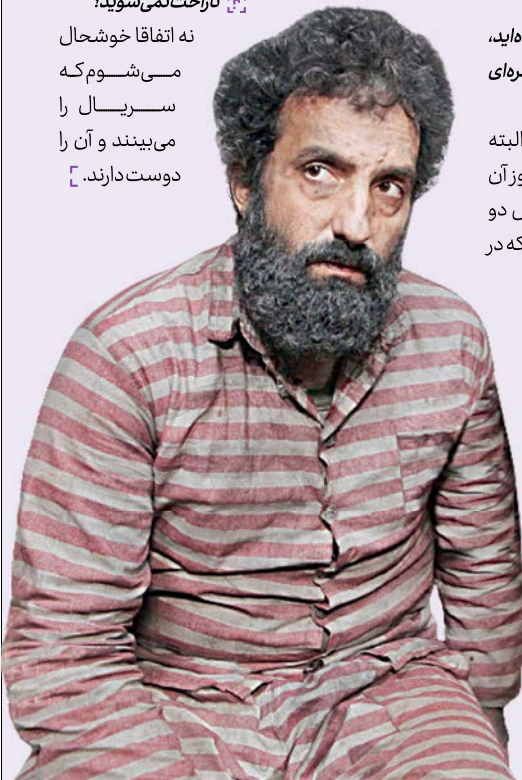
بله عطا داستان‌های خیلی عجیبی دارد که تازه اول راه است. اگر دقت کرده باشید و ببینده سریال باشید متوجه می‌شوید که ما براساس شیوه کلاسیک پیش می‌رویم و هر قسمت که پخش می‌شود، مخاطب منتظر قسمت بعد و داستان‌های دیگر است. حتی فیلمنامه مدام دستخوش تغییرات می‌شود تا اتفاقات جذاب تر برای شخصیت‌ها و داستان‌ها ایجاد شود.

با وجود این‌که سریال روی آنتن هست، اما همچنان فیلمنامه و سکانس‌ها درگیر تغییرات هستند؟

بله. چون هدف این است که مخاطب، سریال را دوست داشته باشد. بنابراین همه چیز در قالب کلاسیک نوشته شده تا برای مخاطب جذاب باشد. عطا تکیه کلام‌های جالبی در سریال دارد. برایتان پیش آمده که مخاطبان سریال با سر صحنه همکاری‌انتان به شوخی از همان تکیه‌کلام‌ها استفاده کنند؟

بله زیاد می‌گویند. مثلاً کوماکی یا دورت بگردم یا رفیقومی را زیاد می‌گویند(می‌خندد).

ناراحت نمی‌شوید؟ می‌شوم که سریال را دوست دارند.



رفاقت‌های دهه ۶۰ را باید برای مخاطب تداعی می‌کرد؟

بله دقیقاً. چون رفاقت‌هایی از این جنس خیلی در این دوران و زمان کمیاب است. برای مخاطب هم تماشای چنین رفاقت‌هایی در قالب تلویزیون جذاب است.

قرار گرفتن در فضایی که تداعی‌کننده دهه ۶۰ در آبادان است، چقدر برای شما به عنوان بازیگر سریال باورپذیر و واقعی بود؟

در کنار گریم و لباس، دکور و فضا هم خیلی برای من باورپذیر بود. چون مجموعه این عوامل باعث می‌شود بازیگر بتواند چنین کاراکتری را آن طور که باید باورپذیر بازی کند.

فارغ از ویژگی‌هایی که عطا و فیلمنامه دارد، بازی در نقشی که مربوط به چند دهه قبل و بخشی از تاریخ معاصر ایران است چقدر برای‌تان جذاب بود؟

بسیار جذاب و باورپذیر بود. چون در غیر این صورت نمی‌توانستم احساسات خودم را در قابل آن نقش بروز بدهم. جالب است بدانید در برخی صحنه‌ها سکانس‌ها را می‌گرفتیم، اما بعد متوجه می‌شدیم رنگ دیوارها متناسب نیست. بنابراین تغییر را در دکور ایجاد کرده و بار دیگر آن سکانس‌ها را می‌گرفتیم تا حال و هوا و فضای دهه ۶۰ برای مخاطب تداعی شود.

قطعا در این دو فصل از مجموعه که بازی کرده‌اید، خاطرات بسیاری برایتان به وجود آمده است. خاطره‌ای از بازی در این سریال دارید که بگویید؟

این سریال پر از خاطرات جذاب و سخت است. البته برخی از آنها را نمی‌توانم تعریف کنم، چون هنوز آن سکانس‌ها پخش نشده است. اما به نظر کل دو فصل مجموعه «نچلا» یک طرف و دو ماهی را که در زندان بودیم یک طرف.

چطور؟ خیلی سخت گذشت؟ به هر حال فضای زندان سخت و تلخ بود. گریم سختی هم برای آن سکانس‌ها داشتیم و دو سه ساعت طول می‌کشید. هوا هم به قدری سرد بود که هنوز هم سرمای آبادان را می‌توانم در وجودم حس کنم. به نظر سخت‌ترین بخش کار مربوط به زندان آبادان است.

گویا تصویربرداری سریال همچنان ادامه دارد؟

بله هنوز هم سر کار هستیم. اما هنوز هم سخت‌ترین سکانس‌های کار را مربوط به سکانس‌های زندان می‌دانم.

اگر از مخاطبان سریال‌های تلویزیونی و همچنین سریال‌های شبکه سه بپرسید، در سال گذشته با شخصیت‌ها و داستان‌های مجموعه‌ای به نام «نچلا» آشنا شده‌اید. دختری جنوبی به نام نچلا که برای پیدا کردن فرزندش حسین در بیحوره جنگ به همراه خانواده و خواستگار دلداد‌هاش عبد راهی کربلا می‌شود و عبد و تنها رفیقش عطا توسط نیروی بعث عراق به اسارت گرفته شدند. فصل دوم این مجموعه نیز همزمان با سال نو روی آنتن رفت و بیننده‌ها شاهد ماجرهای تازه‌ای برای نچلا و عبد بودند. حال نچلا و داستان‌ها و اتفاقاتش همچنان در ماه رمضان ادامه دارد و به گفته یکی از بازیگرانش قرار است ماجراهای جذاب‌تری هم در داستان اتفاق بیفتد. در بین شخصیت‌های اصلی این مجموعه، جوان ساده‌دلی به نام عطا وجود دارد که رفاقت را برای عبد تمام کرده و از طرفی در شرف ازدواج با دختری به نام شیرین است. مصطفی ساسانی بازیگر این نقش در گفت وگو با جام جم از خاطرات، چالش‌ها، سختی‌ها و جذابیت‌های این نقش و این سریال می‌گوید. همراه ما باشید:

البته این سبک کار به تجربیات بازیگر برمی‌گردد و خیلی به آموزش و یادگیری ربطی ندارد. بنابراین بخشی در متن بود و بخشی هم از تجربیات تئاتری من می‌آمد. بخش زیادی هم از تمرین‌هایی که با پارتنرها داشتم در می‌آمد. همه اینها باعث می‌شد لحظات مفرحی در کار ایجاد شود. البته که مختصات نقش باید این اجازه را به بازیگر بدهد.

مثلاً یک جاهایی احساس می‌کردیم مخاطب به زور می‌خندد و به همین دلیل بار طنز و کمدی را کم می‌کردیم.

شوخ طبعی عطا و این‌که در موقعیت‌های هیجانی و ترس‌گریه می‌کند جزو نقش بود یا مصطفی ساسانی هم در چنین لحظاتی همین واکنش‌ها را دارد؟

به هر حال هر بازیگری هر نقشی را که بازی می‌کند، ویژگی‌هایی از خودش را هم وارد آن بازی می‌کند. البته که من به شخصه آدمی جدی هستم. اما در این سریال و برای بازی در نقش عطا سعی می‌کردم بخش طنزانه خودم را کشف و وارد بازی‌ام کنم تا کاراکترم جذاب‌تر شود.

رفاقت عطا و عبد یک رفاقت ساده و خالصانه است، برای درآوردن این بخش از کار هم سعی می‌کردید همه اتفاقات در تمرین دربیاید؟

بله ما پیش از شروع فصل یک این سریال حدود یک ماه با هم تمرین می‌کردیم. حتی برای این نقش چند نفر کاندید بودند و کارگردان تلاش می‌کرد رفاقت بین عطا و عبد دربیاید و واقعی شود. به همین دلیل چند بازیگر جابه‌جا شدند تا در نهایت به این نتیجه رسیدند. البته بعضی بازیگرها به خودی خود طنز یا جذاب هستند، اما وقتی کنار هم قرار می‌گرفتند، آن ارتباط شکل نمی‌گرفت. به همین دلیل چند بازیگر جابه‌جا شدند. چون رابطه عطا و عبد در سریال خیلی مهم بود. به همین دلیل انتخاب بازیگر و کنار هم قرارگرفتن شان هم خیلی مهم بود.

فکر می‌کنید آن‌طور که باید این رابطه دوستی درآید؟

بله چون مردم خیلی دوست دارند و در بازخوردی که از آنها می‌گیریم این نکته را متوجه شدیم. ضمن این‌که رابطه دوستی این دو شخصیت،

زینب علیپور طهرانی

جام جم

عطا تنها شخصیت شیرین سریال است که در بدترین شرایط اسارت و سختی‌هایی که با عبد پشت سر می‌گذارد، روحیه طنز و شوخ طبعی‌اش را همچنان حفظ و فضای تلخ برخی سکانس‌ها را تلطیف می‌کند. بنابراین می‌توان گفت عطا هم نقش‌های کمدی و هم جذاب، از سختی‌ها و جذابیت‌های بازی در این نقش بگوید؟

اصولاً بازی در نقش‌هایی که حال و هوای طنز و کمدی دارد، خیلی دشوارتر از نقش‌های جدی است و به نظر مثل نقاشی مینیاتور پر از ظرافت است. یعنی باید درست اجرا شود و تمام اکت‌هایش به نوعی باشد که آن لحظات کمدی دربیاید. از طرفی نقش‌های کمدیک که طنزای دارند، نیاز به تمرین‌های بیشتری هم دارند. یعنی برای سکانس‌های عطا در موقعیت‌های کمدیکی که با شیرین و عبد در داستان دارد، تمرین‌های بیشتری داشتیم.

یعنی همه شوخی‌ها و طنزهای عطا در تمرین‌ها درآید؟

البته بخشی از آن به متن برمی‌گشت و بخشی دیگر در تمرین‌ها شکل می‌گرفت. از این رو مدام سکانس‌ها در حال تغییر و بازنویسی است. چون بعد از مدتی حس کردیم فضای کار خیلی تلخ شده و همه چیز به سمت لحظات تراژیک می‌رود و ممکن است برای تماشاگر آزاردهنده باشد. بنابراین سعی کردیم تا جایی که موقعیت و متن به ما اجازه می‌دهد، با بداهه‌گویی‌های طنز فضا را کمی تلطیف کنیم. اصولاً لحظات کمدی مثل نقاشی مینیاتور می‌ماند. یعنی خیلی کار سختی است و باید با ظرافت انجام شود. از این رو نیاز به تمرین زیاد بود که ما انجام می‌دادیم.

تا به حال تجربه‌ای مشابه این نقش و سختی‌هایی که در بازی دارید، در سریال‌های دیگر داشتید؟

من نقش‌هایی که در تئاتر بازی کردم اغلب از این جنس کمدی بود. یعنی لحظاتی که شخصیت، کار جدی انجام می‌دهد اما مخاطب می‌خندد. به همین دلیل تجربه این جنس از کمدی را زیاد داشتم و خیلی دوست داشتم تجربیات تئاتری‌ام را در اینجا هم داشته باشم.